

## \* قواعد درس پنجم\_ جملات اسمیه و فعلیه \*

\* در عربی دو نوع جمله داریم ﴿۱﴾ - جمله اسمیه ﴿۲﴾ - جمله فعلیه

\* به جمله ای که با اسم آغاز شود جمله اسمیه و به جمله ای که با فعل شروع میشود جمله ی فعلیه می گوئیم.

## \* نکات مربوط به جملات اسمیه:

\* ارکان اصلی جملات اسمیه، مبتدا و خبر هستند.

﴿۱﴾ مبتدا؛ اسمی که معمولاً در اول جمله می آید.

﴿۲﴾ خبر؛ کلمه ای که معمولاً بعد از مبتدا می آید و در مورد مبتدا خبری را بیان کرده و معنی مبتدا را کامل می کند. ﴿۳﴾ ﴿۴﴾

مثال ۱: العلمُ مفیدٌ. ﴿۱﴾ العلمُ: مبتدا / مفیدٌ؛ خبر

مثال ۲: هؤلاء الطلابُ الناجحونَ يذهبونَ إلى الجامعةِ ﴿۱﴾ هؤلاء: مبتدا / يذهبون: خبر ﴿۲﴾ در این عبارت اگر کلمات

«الطلاب» یا «الناجحون» را بعنوان خبر محسوب کنیم معنی جمله کامل نمیشود ﴿۱﴾ الطلاب: مشارٌ الیه (البته این نقش از کتابای درسی حذف شده ﴿۲﴾) / الناجحون: صفت / يذهبون: خبر / إلى الجامعة: جارومجرور ﴿۳﴾

﴿۴﴾ همانطور که در مثال ۲ مشاهده کردید ﴿۱﴾ گاهی اوقات بین مبتدا و خبر فاصله می افتد و در اغلب موارد وقتی جمله را ترجمه میکنیم میتوانیم براحتی خبر را تشخیص بدهیم.

\* مبتدا معمولاً مرفوع است.

﴿۱﴾ علامتهای مرفوع بودن یک اسم:

الف) اسمهای مفرد یا جمع مکسر یا جمع مؤنث سالم، برای مرفوع شدن آخرین حرف کلمه یکی از حرکات ُ یا ُ یا ُ میگیرد.

ب) اسمهای مثنی (دوتایی) برای مرفوع شدن، آخرشان علامت «ان» یا «ان» می آید. (مذکر و مؤنث)

ج) اسمهای جمع مذکر هم برای مرفوع شدن، آخرشان علامت «ون» میگیرد. ﴿۱﴾

\* بعضی کلمات مانند « ضمایر، اسمهای اشاره ( بجز مثنی ها )، اسمهای موصول ( بجز مثنی ها )، اسم های استفهام » هیچگاه آخرشان تغییر نمیکنند و اگر نقش مبتدا یا خبر یا هر نقش دیگری بگیرند حرکت حرف آخرشان عوض نمیشود.

👉 در مثال بالایی کلمه ی « هَوْلَاءِ » مبتدا واقع شده 📖 گفتیم مبتدا باید مرفوع باشد اما چون « هَوْلَاءِ » جزء اسامی اشاره هست، حرکت حرف آخرش در هیچ شرایطی تغییر نمیکنند و همیشه کسره ( َ ) هست.

👈 یا مثلاً « هُوَ » چون ضمیر هست، حرکت حرف آخرش هیچ وقت تغییر نمیکنند و همیشه فتحه ( ُ ) هست.

\* خبر هم اگر اسم باشد، باید مثل مبتدا به حالت مرفوع بیاید. 😊

### \* انواع خبر به ترتیب اولویت \*

۱- خبر مفرد: یعنی یک اسم بعنوان خبر واقع شود. ( فرقی هم ندارد که آن اسم مفرد، مثنی یا جمع باشد ) 📖

👉 هُوَ مُعَلِّمٌ. 👈 هو؛ مبتدا / معلم؛ خبر از نوع مفرد

👉 هُمَا مُعَلِّمَانِ. 👈 هما؛ مبتدا / معلمان؛ خبر از نوع مفرد

👉 هُمُ مَعْلَمُونَ. 👈 هم؛ مبتدا / معلمون؛ خبر از نوع مفرد

۲- خبر جمله: یعنی یک جمله کامل ( اسمیه یا فعلیه ) نقش خبر بگیرد؛ که کاربرد جملات فعلیه بعنوان خبر خیلی بیشتر از جملات اسمیه است. 📖

( در این حالت میتوانیم یا فعل تنها را بعنوان خبر در نظر بگیریم و یا کل جمله ی فعلیه )

أَنْتُمْ عَسَلْتُمْ مَلَابِسَكُمْ. 📖 انتما؛ مبتدا / عَسَلْتُمْ؛ فعل و در نقش خبر / تُمْ؛ فاعل / مَلَابِسْ؛ مفعول / كُمْ؛ مضاف الیه

۳- خبر شبه جمله: که در اینصورت یا جارومجرور خبر واقع میشود و یا اسامی ای که نشان دهنده جهت و مکان هستند.

👉 ( تحت، قبل، بعد، جنب و . . . )

\* البته در صورتی میتوانیم جارومجرور را خبر محسوب کنیم که اولویت دیگری نداشته باشیم و اگر آن جارومجرور را حذف کنیم معنی جمله ناقص شود.

( در مورد جار و مجرور بطور مفصل در درس هفتم صحبت خواهیم کرد. )

مثال ۱: الإينُّ في البيتِ. ( پسر در خانه است. ) ﴿﴾ اینجا اگر عبارت « فی البيت » که جارومجرور هست را حذف کنیم معنی جمله ناقص میشود. ﴿﴾ پس « فی البيت » نقش خبر دارد. ﴿﴾

مثال ۲: الكتابُ في المحفظةِ موجودٌ. ( کتاب در کیف موجود است ) ﴿﴾ اگر اینجا عبارت « فی المحفظة » که جارومجرور هست را حذف کنیم معنی ناقص نمیشود پس نمیتوانیم آنرا بعنوان خبر در نظر بگیریم.

﴿﴾ الكتابُ؛ مبتدا / في المحفظة ؛ جارومجرور / موجودٌ؛ خبر.

مثال ۳: الجتةُ تحتَ اقدامِ الأمهاتِ.

﴿﴾ الجتةُ : مبتدا / تحتَ : خبر / اقدام : مضاف اليه / الامهاتِ : مضاف اليه

### \* نکات مربوط به جملات فعلیه:

\* ارکان اصلی جمله فعلیه شامل فعل، فاعل، و گاهی اوقات مفعول می باشد. ﴿﴾ اگر فعل متعدی باشد نیاز به مفعول داریم ﴿﴾ اما اگر فعل لازم باشد نیازی به مفعول نداریم و معنی جمله با فعل و فاعل کامل میشود. ﴿﴾

\* به فعلهایی که نیاز به مفعول دارند « فعل متعدی » و به فعلهایی که به مفعول نیاز ندارند، « فعل لازم » می گوئیم.

## \*انواع فاعل به ترتیب اولویت\*

۱- اسم ظاهر ﴿منظور اسمی است که بعد از فعل می آید و در معنی انجام دهنده ی آن فعل بوده و معمولاً هم مرفوع می باشد.﴾ (علامتهای مرفوع بودن یک اسم را در قسمت جملات اسمیه گفتیم 😊)

مثال ۱: يَضْحَكُ الْمَعْلَمُ ﴿المعلم﴾؛ فاعل از نوع اسم ظاهر

مثال ۲: اِشْتَرَى التَّلْمِيذُ كِتَابًا مِنَ الْحَانُوتِ. (دانش آموز کتابی را از مغازه خرید.) ﴿التلميذ﴾؛ فاعل از نوع اسم ظاهر

\* نکته مهم؛ گفتیم اگر فاعل از نوع اسم ظاهر باشد، معمولاً مرفوع است و یکی از علامتهای رفع ( / ُ / ِ / َ / ِ / ِ ) در آخرش دیده میشود. ◀ اما گاهی اوقات اگر کلماتی مانند ضمائر، اسم های اشاره و ... در جمله بعنوان فاعل قرار بگیرند، حرکت حرف آخرشان تغییری نمیکند.

مثال؛ جَاءَ ذَلِكَ الْمُهَنْدِسُ. (آن مهندس آمد.) ﴿اینجا﴾ « ذَلِكَ » نقش فاعل دارد ولی چون اسم اشاره هست، نمیتواند آخرش تغییر کند و همیشه آخرش فتحه ( َ ) دارد.

۲- ضمیر بارز؛ ضمیرهایی که در فرمول ساخت فعلها بعد از ریشه می آیند (شناسه ها) ﴿این ضمیرها، فاعل و از نوع ضمیر بارز محسوب میشوند.﴾ (غیر از حرف « ت » در مفرد و مثنی مؤنث غایب و حرف « ن » در صیغه های غیر از جمع مؤنث 😊)

مثال ۱: الْبَلْتَانِ خَرَجَتَا مِنَ الْبَيْتِ ﴿اینجا ضمیر « ا » که به آخر فعل « خَرَجَتَا » چسبیده نقش فاعل دارد.﴾ (از نوع ضمیر بارز)

مثال ۲: الْمَرْمُضُونَ يَسْهَرُونَ اللَّيْلَ فِي الْمُسْتَشْفَى (پرستاران، شب در بیمارستان بیدار می مانند.)

﴿ضمیر « و » در فعل « يسهرون » نقش فاعل دارد.﴾

\*نکته ی خیلی مهم ﴿اگر یک کلمه در معنی فاعل باشد ولی قبل از فعل آمده باشد، به هیچ عنوان نمیتوانیم آنرا فاعل حساب کنیم.﴾ ◀ پس در مثال یک نمیتوانیم « البلتان » را بعنوان فاعل در نظر بگیریم چون قبل از فعل آمده است.

در مثال ۲ هم نمیتوانیم « المرمضون » را بعنوان فاعل محسوب کنیم چون قبل از فعل قرار گرفته است. 😊

۳- ضمیر مُسْتَتِر (پنهان شده)؛ اگر کلمه ای که در معنی فاعل است، قبل از فعل بیاید و در خود فعل هم ضمیر بارز نباشد بنابراین فاعل از نوع ضمیر مستتر خواهد بود. ﴿﴾ اگر فاعل یک فعل ضمیر مستتر باشد باید ضمیر منفصل مربوط به همان فعل را بعنوان فاعل از نوع ضمیر مستتر حساب کنیم ﴿﴾ مستتر یعنی پنهان شده ﴿﴾ یعنی ظاهراً در جمله وجود ندارد.

مثال ۱: أَنَا وَ صَدِيقِي تَقْدِرُ أَنْ نَذْهَبَ مَاشِيًا. (من و دوستم می توانیم پیاده برویم.)

مثال ۲: الْمُزَارِعُ هُوَ الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ. (کشاورز کسی است که در مزرعه کار می کند.)

﴿﴾ «تَقْدِرُ» و «نَذْهَبَ» فعل و فاعل آن «نَحْنُ» مستتر (چون هر دو فعل اول شخص جمع هستند و ضمیر منفصل اول شخص جمع «نَحْنُ» می باشد.)

﴿﴾ «يَعْمَلُ» فعل و فاعل آن «هُوَ» مستتر (این فعل سوم شخص مفرد مذکر بوده و ضمیر منفصل آن «هُوَ» میباشد.)

### \*انواع مفعول (مفعول به) \*

۱\_ اسم ظاهر: اسم منصوبی که بعد از فعل آمده و در ترجمه معنی مفعول بدهد.

مثال: لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا. ﴿﴾ اللَّهُ : فاعل / نَفْسًا : مفعول

### \*علامتهای یک اسم منصوب :

الف) در اسم های مفرد و جمع مکسر ﴿﴾ حرکت ( َ ) یا ( ُ ) در آخرین حرف کلمه

ب) در اسمهای جمع مؤنث سالم ﴿﴾ حرکت ( ِ ) یا ( ٍ ) در آخرین حرف کلمه

ج) در اسم های مثنی ﴿﴾ علامت ( َينِ ) یا ( َتَيْنِ ) در آخر کلمه

د) در اسم های جمع مذکر سالم ﴿﴾ علامت ( ِينَ ) در آخر کلمه

۲\_ ضمیر متصل : ضمیری که در معنی نقش مفعول داشته و به فعل متصل باشد اما جزء فرمول فعل نباشد.

مثال: يُخْرِجُوهُمْ مِنَ الطُّبَاتِ إِلَى التَّوْرِ ﴿﴾ ضمیر « هُمْ » در فعل ( يُخْرِجُوهُمْ ) ﴿﴾ مفعول.

\*گاهی اوقات مفعول با حرف اضافه ترجمه می شود.

مثال: أَنَا بَلَّغْتُ قِمَّةَ الْجَبَلِ : من به قله ی کوه رسیدم. ﴿﴾ قِمَّةً : مفعول ( با حرف اضافه « به » ترجمه شده 😊 )

## \* سه نکته ی عالی و مهم \*

۱\_ اگر اسم جمع غیر انسان فاعل واقع شود، باید برای آن فعل را بصورت مفرد مؤنث بکار ببریم.

👉 تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. (بادها به گونه ای که کشتی ها میل ندارند، می وزند)

👉 اینجا چون «الرياح» جمع مکسر «ریح» و غیر انسان هست، فعل «تجری» بصورت مفرد مؤنث آمده و همچنین

«السفن» جمع مکسر «سفینه» و غیر انسان هست. بنابراین فعل «لا تشتهی» هم بصورت مفرد مؤنث آمده است 📌

۲\_ اگر فعل غایب (سوم شخص) اول جمله بیاید و فاعل از نوع اسم ظاهر باشد 📌 در اینصورت فعل فقط بصورت مفرد

(مذکر یا مؤنث) می آید هر چند که فاعل مثنی یا جمع باشد. 📌

🔹 شَرِبَ الرَّجُلُ الشَّايَ. (مرد چای را نوشید. 📌 فاعل مفرد: فعل مفرد.)

🔹 شَرِبَ الرَّجُلَانِ الشَّايَ. (فاعل مثنی: فعل مفرد 📌 چون فعل سوم شخص و فاعل اسم ظاهر هست فعل بصورت مفرد آمده)

🔹 شَرِبَتْ الْبِئْسَاءُ الشَّايَ. (فاعل جمع: فعل مفرد 📌 باز هم چون فاعل از نوع اسم ظاهر و فعل سوم شخص هست بنابراین فعل

بصورت مفرد آمده است.)

۳\_ اگر فاعل از نوع اسم ظاهر باشد، نباید وابسته های آنرا (مثلا صفت، مضاف الیه، مشارالیه و ...) جزء فاعل حساب کنیم.

👉 مثال: أَكَلَ الطِّفْلُ الجَائِعُ الحُبْزَ. (کودک گرسنه، نان را خورد.) 🔹 اینجا «الطفل» فاعل و از نوع اسم ظاهر هست و ما

نباید صفت آن یعنی کلمه ی «جائع» را جزء فاعل حساب کنیم. 😊